www.fera.ir

هر مطلبی که شما نیاز دارید

برای اولین بار در ایران با جدیدترین روش های آموزشی

حسابان و ریاضیات پایه

کتابی منحصر به فرد در نوع خود با روش تدریس دانش آموز محور هم درس هم تست هم پاسخ تشریحی اولین کتاب مصور در نوع خود

حسابان و ریاضیات پایه تصویری عبدالرضا منتظری را از ما تهیه کنید

با خواندن کتاب حسابان و ریاضیات پایه تصویری

قدرت تحلیل ریاضی شما به قدری افزایش خواهد یافت که نیاز به تست زدن زیاد ندارید.در کتاب های موجود از ۲ روش تشریحی و تستی برای حل مسائل استفاده شده که در کتاب حسابان و ریاضیات پایه تصویری مشاهده خواهید نمود از روش زیبا و کارآمد سوم به نام روش تصویری و هندسی مسائل به صورت باور نکردنی و بدون استفاده از فرمول در کمتر از ۳۰ ثانیه پاسخ داده خواهد شد

www.ferashop.ir

کاری دیگر از استاد منتظری نشر حرف آخر

دی وی دی های آموزشی دیفرانسیل و ریاضیات تجربی نشر حرف آخر

برای اولین بار در ایران با جدیدترین روش های آموزشی

آموزش تصویری کنکور دیفرانسیل و ریاضیات تجربی با جدیدترین روش های روز دنیا

ماندگاری طولانی مفاهیم ریاضی در ذهن

حل سوالات کنکور با چندین روش و در کمترین زمان ممکن

آدرس فروشگاه :

www.ferashop.ir

www.fera.ir

www.konkur.in



درس اول

جلوه های حکمت و تدبیر

یکی از سؤال های اصلی هر نوجوان و جوانی این است که «در چگونه جهانی زندگی می کند؟» پاسخ این سؤال در نگاه وی به زندگی تأثیر می‌گذارد و به برنامه ها و تصمیم های او جهت می دهد.

برای رسیدن به پاسخی مناسب برای این پرسش، ابتدا از آیات شریفه ی قرآن کریم بهره می بریم و آن گاه با مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود به بررسی این موضوع می پردازیم.

علت،مقدم،مقدمه

معلول،موخر،نتیجه

قرائت و ترجمه

أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

وَ لِلّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ .....
وَ اللّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ .....

اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ .....
وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ .....
لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ .....

الَّذینَ یَذْکُرونَ اللّهَ .....
قِیامًا وَ قُعودًا .....
وَ عَلی جُنُوبِهِمْ و درحالی که بر پهلوهای خود آرمیده‌اند،
وَ یَتَفَکَّرونَ .....
فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ .....
رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا .....
سُبْحانَکَ .....
فَقِنا عَذابَ النّارِ .....

آل‌عمران، ۱۸۹ تا ۱۹۱

توحید افعالی،شاخه مالکیت
مالیکت و قدرت محض الهی

هستی شناسی مقدمه خدا شناسی
آفرینش ظرافت هایی دارد
که خردمندان آن را می فهمند

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفتری است ،معرفت کردگار

ویژگی های خردمندان : ترتیب اونها هم مهمه
ذکر خدا در تمام حالات
تفکر در خلقت آسمان ها و زمین |مهم تر از ویژگی قبلیست|
اقرار به حکمت خداوند
تسبیح خداوند
دعا برای رهایی از آتش جهنم

ثمره تفکر و خرد ترس از قیامت است

نفی بیهوده خلق شدن آفرینش
و بیان کننده هدفمندی آفرینش و حکت الهی

ابتدا تعقل و تفکر و تسبیح خدا
سپس دعا و مناجات
تقدم تفکر و تسبیح خدا بر طلب از خدا و دعا

تصویری از یک جهان خیالی

تصور کنید در جهانی هستید که در هر لحظه ممکن است بدون علت خاصی، حادثه‌ای رخ دهد، موجودی پدید آید یا از بین برود و اشیاء خصوصیات خود را از دست بدهند. آب، گاهی سیراب نماید و گاهی تشنه. اجسام، لحظه‌ای به زمین جذب شوند و لحظه‌ای از زمین فاصله گیرند. نمک گاهی شور باشد و گاهی شیرین.

از همکاری هیدروژن با اکسیژن هم آب پدید آید، هم آتش و با هر ماده‌ی دیگر. با تابش خورشید، گاهی شب شود و گاهی روز. و خلاصه، نیروهای عالم، در هر گوشه‌ای به دلخواه خود دخالت کنند و حوادثی غیرمنتظره را پدید آورند.

ارزیابی

۱ـ آیا در این جهان خیالی می‌توان از قانون و قانون‌مندی سخن گفت؟ چرا؟
۲ـ در چنین جهانی، رسیدن به علم و دانش تا چه اندازه امکان‌پذیر است؟ چرا؟
۳ـ اگر بخواهیم نامی برای این جهان خیالی انتخاب کنیم، آن نام چیست؟
۴ـ شما در چنین جهانی، چه احساسی خواهید داشت؟

forum.konkur.in

www.konkur.in

جهان واقعی

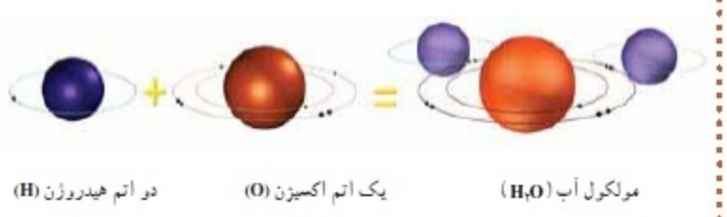
اکنون به جهان واقعی پیرامون خویش بیندیشید. نمونه‌هایی از موجودات و عناصر پیرامون خود را زیر نظر بگیرید و ببینید چه تفاوتی میان آن تصویر خیالی و این موجودات واقعی هست. برای این منظور، ویژگی‌ها و نحوه‌ی همکاری چند عنصر ساده، امّا بسیار مؤثّر و مفید را بررسی می‌کنیم :

۱ــ اکسیژن و هیدروژن دو عنصر ساده از عناصر طبیعت‌اند. هرکدام ساختمان خاصی دارند که این ساختمان را از دست نمی‌دهند. نه ساختمان اکسیژن به هیدروژن تبدیل می‌شود، نه به‌عکس. امّا هرگاه که این دو با یکدیگر همکاری می‌کنند، نظامی جدید به‌نام آب را پدید می‌آورند که حیات موجودات زنده بر روی کره‌ی زمین به‌وجود آن بستگی دارد. شاید این همکاری را بتوان مؤثرترین همکاری روی کره‌ی زمین دانست، زیرا بزرگ‌ترین نتیجه و فایده را به‌دنبال دارد.

علت،مقدم،مقدمه

معلول،موخر،نتیجه

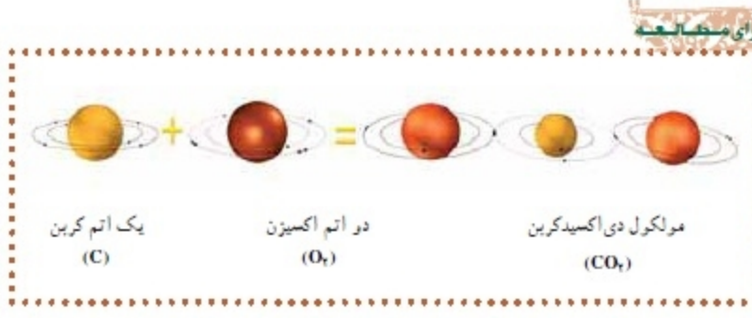
برای مطالعه



مولکول آب (H_2O) — یک اتم اکسیژن (O) — دو اتم هیدروژن (H)

۲ــ کربن یکی دیگر از عناصر طبیعت است که هر وقت با اکسیژن همکاری می‌کند و ترکیب می‌شود، ساختمان جدیدی به‌نام «دی‌اکسیدکربن» را پدید می‌آورند. این ماده نقش مهمی در حیات روی کره‌ی زمین دارد. گیاهان سبز به کمک این گاز غذاسازی می‌کنند و زنده می‌مانند.

برای مطالعه



مولکول دی‌اکسیدکربن (CO_2) — دو اتم اکسیژن (O_2) — یک اتم کربن (C)

۳ــ موجودات زنده از جمله انسان نیازمند ماده‌ای به‌نام «قند» هستند تا انرژی خود را تأمین کنند و زنده بمانند. این ماده با همکاری میان آب و دی‌اکسیدکربن و کمک خورشید در گیاه ایجاد می‌شود تا هم خود گیاه از آن استفاده کند و هم حیوان و انسان از آن بهره ببرند و رشد کنند[۱]. درواقع، قند یک ترکیب نظام‌مند است که برای تأمین انرژی و فایده‌های دیگر، در طبیعت ساخته می‌شود.

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین همکاری روی کره‌ی زمین به‌وسیله‌ی سه عنصر ساده‌ی اکسیژن، هیدروژن و کربن به انجام می‌رسد و بزرگ‌ترین فایده‌ها را به ارمغان می‌آورد. این عناصر، هرکدام ساختمان خاصی دارند که وقتی با دیگری همکاری می‌کنند و ترکیب می‌شوند، نظام و ساختمان جدیدی پدید می‌آورند. اجزای این ساختمان به‌گونه‌ای هستند که خواص و آثار جدیدی را از خود بروز می‌دهند. یعنی همکاری و ترکیب میان پدیده‌ها از نظم و قانونمندی خاصی پیروی می‌کند و نتایج معین و مشخصی را به‌دنبال دارد. این حالت را می‌توانیم در همه‌ی موجودات پیرامون خود، هم‌چون سنگ‌ها، فلزات، گیاهان، حیوان‌ها و انسان‌ها ببینیم و دریابیم که :

۱ــ هر موجودی از اجزای خاص و معینی تشکیل شده است.

۲ــ این اجزاء با آرایش مخصوص به خود در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند.

۳ــ هریک از این اجزاء، خواص ویژه‌ای دارند که با وظیفه‌ی آن‌ها هماهنگی دارد.

مهم چون زیاد ازش تست دیدم

خواص ویژه متناسب با وظیفه آن جزء

۴ــ هر جزئی کار مخصوصی انجام می‌دهد و وظیفه‌ی معینی برعهده دارد.

ارتباط بین وظایف

۵ــ میان وظایف و مسئولیت‌ها پیوستگی و ارتباط مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که کار هریک مکمل و ادامه‌ی کار دیگری است و کارها و مسئولیت‌ها در ارتباط با هم معنا می‌یابند و اگر به کار یک جزء به تنهایی نگاه شود، ناقص و ناتمام به‌نظر می‌آید.

شاید دیگه خیلی تکراری شده باشه ولی هنوزم این جمله خیلی اهمیت داره!!! ا

۶ــ نتیجه‌ی هر سامان و نظمی و هر همکاری و فعالیتی، هدف خاصی است که آن را از سایر سامان‌دهی‌ها و همکاری‌ها جدا می‌کند.

۱ـ اقتباس از کتاب زندگی بر روی زمین، دونالد ام. سیلور، انتشارات مدرسه برهان، صص ۶ تا ۱۴

نمونه‌یابی

با بررسی ساختمان درونی برخی موجودات پیرامون خود، ویژگی‌های ذکر شده را در آن‌ها مشخص سازید.

شاخصه‌ی اصلی

هدف و غایت

در میان ویژگی‌های ذکر شده در بالا، کدام ویژگی است که شاخصه‌ی اصلی مجموعه‌ها و موجودات بزرگ و کوچک جهان محسوب می‌شود، آن‌ها را به یک نظام تبدیل می‌کند و باعث می‌شود روح در همه‌ی اجزا و فعالیت‌های آن مجموعه حضور دارد و به آن‌ها معنی می‌بخشد؟

این عنصر اصلی «هدف» و «غایت» است. بدون «هدف»، پیوستگی، ارتباط و هماهنگی معنا ندارد و اساساً مجموعه‌ی دارای نظام، شکل نمی‌گیرد. همکاری و پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد.

درختی را به عنوان یک مجموعه‌ی نظام‌مند درنظر بگیرید. این درخت دارای ریشه، ساقه، شاخه و برگ است. مواد تشکیل‌دهنده‌ی هریک، جای قرارگرفتن آن‌ها، کار ویژه‌ی هرکدام و همکاری میان آن‌ها وقتی معنا پیدا می‌کند که به هدفی منجر شود و میوه‌ای به‌دست آید ؛ از این‌روست که می‌گوییم همه‌ی اجزای درخت کارهایی به‌هم پیوسته و هماهنگ انجام می‌دهند و رابطه‌ای حقیقی میان مجموعه‌ی فعالیت‌ها برقرار است.

سؤال

چگونه اجزای این مجموعه‌ها، متناسب با هدفی که دارند، کنار یکدیگر جمع می‌شوند؟ چه عامل و انگیزه‌ای سبب این همکاری‌ها و تقسیم کار است؟ آیا پای «انتخاب»، «گزینش» و «طرح» قبلی در کار است؟

در این‌جا با سه فرض مواجه هستیم :

۱ــ همه‌ی این هماهنگی‌ها و همکاری‌ها خودبه‌خود و بدون نقشه‌ی قبلی اتفاق می‌افتند.

۲ــ خود اجزا از این آگاهی برخوردارند و متناسب با آن هدف گردهم می‌آیند و همکاری را آغاز می‌کنند.

forum.konkur.in

www.konkur.in

ترتیبشون مهمه
در نظر گرفتن هدف
به وجود آوردن اجزا متناسب با هدف
شکل دادن همکاری ها با طرح قبلی
محقق شدن هدف

پس به وجود آمدن اجزا
متناسب با هدف آنهاست

۳ــ وجودی آگاه و مدبر و حکیم، ابتدا هدف را درنظر می‌گیرد و متناسب با آن، اجزا را به‌وجود می‌آورد و با طرح و نقشه و برنامه‌ی معین، همکاری‌ها را شکل می‌دهد تا هدف و غایت محقق شود.

استدلال

۱ــ این سه فرض را با یکدیگر مقایسه کنید و نتیجه را با ذکر دلایلی که به‌دست آورده‌اید، بیان نمایید.

	امتیاز	نقص
فرض اول		
فرض دوم		
فرض سوم		
نتیجه		

۲ــ نتیجه‌ی به‌دست آمده را با آیات شریفه‌ی اوّل درس تطبیق دهید و ببینید چه ارتباطی میان این نتیجه و آیات شریفه وجود دارد؟ فرض صحیح با کدام عبارت مطابق است؟ چرا؟

عالم در حرکت است حتی کوه های به نظر ساکن در حرکتند
حرکت کوه ها نیز مثل ابرها سریع است
اتقان صنع=خلق در کمال استحکام،استواری

اندیشه و تحقیق

۱ــ پیام‌های اصلی درس کدام‌اند؟ از این پیام‌ها چه نتیجه‌ای را می‌توان گرفت؟

ردیف	پیام‌ها
۱	.....
۲	.....
۳	.....
۴	.....
⋮	.....
نتیجه	

خدا ما را به نگرش در آفرینش دعوت می کند
تفاوت=بی نظمی و سستی
فطور=شکاف

۲ــ در آیات ۸۸ سوره‌ی نمل و ۳ سوره‌ی ملک بیندیشید و توضیح دهید که منظور از «اتقان صنع» و «نبودن خلل و شکاف» در هستی چیست و این عبارات چه ارتباطی با درس دارند؟

۳ــ ابتدا این خطبه‌ی حضرت علی (ع) را که در نهج‌البلاغه آمده است، بخوانید و سپس ویژگی‌های خلقت خداوند را از آن استخراج کنید.

او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این که از هیچ نمونه‌ی آماده و پیش‌ساخته‌ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی را آفریده باشد، تقلید کند.

... آثار صنع و نشانه‌های حکمتش در نوآوری‌های بی‌سابقه و خلقت بی‌نظیرش هویداست.

بنابراین، هریک از موجوداتی که خدا آفریده، برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی

علم و آگاهی و ابداع خداوند

پی بردن و آگاهی یافتن به حکمت خدا
از روی مخلوقات بی سابقه او

اوست ؛ حتی اگر آن موجود، جامد و بی‌زبان باشد. چرا که آن هم با زبان بی‌زبانی خالق خود را معرفی می‌کند و تدبیر خدا را باز می‌گوید، بدون این‌که به سخن‌گفتن نیازی داشته باشد. دلالتش بر وجود خدا همواره استوار است و در هر لحظه آفریننده‌ی خود را نشان می‌دهد.

... خدای متعال همه‌ی مخلوقات را براساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه‌های مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید و در آفرینش آن‌ها طوری اندازه‌ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فروناشند. هر چیزی را مطابق برنامه‌ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد وآن گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دست‌یابی به هدف‌خاص وی هدایت کرد.

همه‌ی این کارها بدان جهت بود که هیچ‌یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین‌شده از جانب خداوند تجاوز نکند و برای رسیدن به مقصد موردنظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید و اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادنش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.

بخشی از خطبه‌ی ۹۰ نهج‌البلاغه

باز هم تریتبشون مهمه
طراحی مطابق برنامه
دادن نظم و ظرافت
هدایت به سوی هدف

ویژگی‌های خلقت خداوند را از این خطبه استخراج کنید.

پیشنهاد

۱ــ قرآن کریم در آیه‌های ۶۸ و ۶۹ سوره‌ی نحل، درباره‌ی زنبور عسل سخن گفته است. درباره‌ی این زنبور و چگونگی فعالیت او برای تولید عسل تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

۲ــ برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف را در موجودات طبیعی مشاهده کردیم و دیدیم که نظم و پیوستگی و قانونمندی بدون هدف معنا ندارد. شما در زندگی شخصی خود چه اهدافی دارید؟ آیا برای رسیدن به آن‌ها برنامه‌ریزی کرده‌اید؟

forum.konkur.in

www.konkur.in

قرائت وترجمه

أعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ

هُوَ الَّذی جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیاءً ....
وَ الْقَمَرَ نورًا ....
وَ قَدَّرَهُ مَنازِلَ و برای آن منزل‌ها معین کرد
لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنینَ وَ الْحِسابَ تا شمار سال‌ها و حساب وقت‌ها را بدانید.
ما خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ اِلّا بِالْحَقِّ ....
یُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمونَ ....

یونس، ۵

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ یُسَبِّحُ لَهُ ....
مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ ....
وَ الطَّیْرُ صافّاتٍ و مرغان در پرواز
کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ همه‌ی آن‌ها نماز و تسبیح خویش را درک می‌کنند.
وَ اللّٰهُ عَلیمٌ بِما یَفْعَلونَ ....
وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ ....
وَ اِلَی اللّٰهِ الْمَصیرُ ....

نور، ۴۱ و ۴۲

اَفَغَیْرَ دینِ اللّٰهِ یَبْغونَ .....
وَ لَهُ اَسْلَمَ حال آن که به فرمان اوست
مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ .....
طَوْعًا وَ کَرْهًا خواه ناخواه
وَ اِلَیْهِ یُرْجَعونَ ....

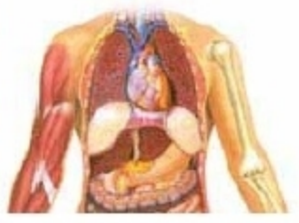
آل عمران، ۸۳

ضیاء: روشنی‌بخش یَبْغونَ: می‌جویند یُفَصِّلُ: به تفصیل بیان می‌کند لَمْ تَرَ: ندیدی

نمونه‌ای از نظام جهانی

مجموعه‌ی جهان خلقت پیرامون ما مانند بدن انسان، نظامی واحد و به هم پیوسته است. قبل از نظر و تفکر در این جهان بزرگ، پیوستگی نظام‌های درون بدن انسان را به‌عنوان یک نمونه مشاهده می‌کنیم و سپس به‌ارزیابی نظام جهانی می‌پردازیم.

بدن انسان از دستگاه‌های مختلفی، مانند گوارش، گردش خون، اعصاب و تنفس تشکیل شده است. اگر بدن انسان را یک دایره‌ی بزرگ فرض کنیم، این دستگاه‌ها به‌صورت دایره‌های مرتبط به هم، درون آن قرار دارند.



برخی از دستگاه‌های بدن

↓



دستگاه گردش خون

↓



قلب

↓

حال اگر یکی از این دستگاه‌ها را جداگانه مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم که این دستگاه نیز از چند قسمت تشکیل شده است و با یکدیگر ارتباط دارند. یعنی در داخل این دایره، دایره‌های کوچک‌تری هستند که با یکدیگر همکاری می‌کنند. به‌طور مثال، دستگاه گردش خون قسمت‌هایی مانند قلب، سرخرگ‌ها، سیاهرگ‌ها و مویرگ‌ها دارد.

اگر جلو برویم و یکی از قسمت‌های دستگاه گردش خون، مثلاً قلب را مطالعه کنیم، می‌بینیم که آن نیز از قسمت‌هایی مانند بطن‌ها، دریچه‌ها و دهلیزها تشکیل شده که با یکدیگر ارتباط دارند و همکاری می‌کنند.

اگر باز هم جلو برویم و قسمتی از قلب، مانند دریچه‌ی بین بطن راست و دهلیز راست را مشاهده کنیم، می‌بینیم که آن هم از تعداد زیادی سلول تشکیل شده که با یکدیگر ارتباط دارند و همکاری می‌کنند.

حال اگر از کوچک‌ترین قسمت شروع کنیم،



سلول‌های بطن

می‌بینیم که سلول برای بطن، بطن برای قلب، قلب برای دستگاه گردش خون و دستگاه گردش خون برای بدن کار می‌کند تا حیات و رشد بدن تأمین گردد. در این‌جا با یک پیوستگی طولی مواجهیم به‌گونه‌ای که هدف جزء کوچک در طول هدف جزء بزرگ قرار دارد و آن نیز در خدمت جزء بزرگ‌تر، تا به برترین هدف، یعنی حیات بدن می‌رسیم.

امّا همان‌طور که در شکل مقابل می‌بینید، بدن از دستگاه‌ها و اندام‌های مختلفی تشکیل شده که با هم همکاری می‌کنند. در داخل هر دستگاه یا اندام نیز قسمت‌های دیگری هست که آن‌ها نیز با هم همکاری دارند. این همکاری یک پیوستگی را به‌وجود می‌آورد که به آن پیوستگی عرضی می‌گوییم.



ارتباط عرضی دستگاه‌ها

پس، مجموعه‌ی بدن انسان از صدها یا هزاران پیوستگی و ارتباط طولی و عرضی تشکیل شده که گرچه هرکدام، هدف ویژه‌ی خود را دارند، اما همه‌ی این هدف‌ها در خدمت یک هدف بزرگ، یعنی حیات و رشد بدن است. اکنون می‌توان گفت:

۱ــ فعالیت هر سلول در هر قسمت بدن نه‌تنها در خدمت همان قسمت است، بلکه در خدمت نهایی‌ترین هدف، یعنی رشد و حیات بدن نیز هست.

۲ــ هر دستگاهی نظم، قانون‌مندی و هدف خاص خود را دارد. امّا این امر نه‌تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آن‌ها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است.

۳ــ نظام‌های بزرگ از به هم پیوستن نظام‌های کوچک شکل می‌گیرند؛ بدین‌صورت که بطن‌ها، دهلیزها و دریچه‌ها قلب را می‌سازند، قلب و سرخرگ و مویرگ دستگاه گردش خون، و مجموعه‌ای از دستگاه‌ها نیز بدن را شکل می‌دهند.

۴ــ هرچه دایره‌ی نظام، بزرگ‌تر می‌شود، نظم و قانون‌مندی گسترده‌تری به‌وجود می‌آید که نظام‌های کوچک‌تر را در درون خود جای می‌دهد. به‌طور مثال خاصیت رشد و

ارتباط طولی دستگاه‌ها

کلی میگم هر وقت ل به معنی برای اینکه،چون،تا رو دیدید عبارت قبلش علت (مقدم،مقدمه) و عبارت بعدش معلول(موخر،نتیجه)است

این که تفصیل آیات برای قوم یعلمونه رو هم حفظ کنید

تو بعضی سوالات میاد به خصوص کنکور آزاد

حقیقت دین تسلیم است

تسلیم بودن موجودات به صورت خواه یا ناخواه(ارادی یا غیر ارادی) و قرار گیری اراده مخلوقات در طول اراده خدا

وجود پیوستگی عرضی مخلوقات با یکدیگر و پیوستگی طولی آنها با خداوند

تعیین منازل برای ماه بیانگر تقدیر الهی است که تقدیر از علم و حکمت خدا منشا میگیره

بیانگر هدفمندی آفرینش و حکمت الهی و ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی

تمامی موجودات خدا را تسبیح می کنند و آن را درک نیز می کنند

بیانگر حکومت مطلق الهی و توحید افعالی شاخه مالکیت

بیانگر هدفمندی خلقت و ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی

نفی دین جویی غیر از دین الهی با آوردن دو دلیل یا تذکر

تسلیم بودن همه مخلوقات در برابر امر خدا و بازگشت همه به سوی خدا

ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی

این اشکال یک رابطه طولی رو نشون میده

پس بین دستگاه ها ارتباط عرضی و در داخل یک دستگاه ارتباط طولی

در ارتباط عرضی هم مرتبه بودن اجزا، مهمه و اینکه یکی عضو د جزئی از دیگری نباشه

مثال رابطه طولی ارتباط موجودات با خداست

forum.konkur.in

www.konkur.in

نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه‌ی بدن و دستگاه‌های آن مربوط است و همه‌ی این دستگاه‌ها به‌نحوی برای این هدف فعالیت می‌کنند.

۵ــ این نظام‌های به هم پیوسته و تودرتو که بدن را می‌سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای انجام می‌دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می‌شود.

نمونه یابی

یکی دیگر از دستگاه‌های بدن را درنظر بگیرید و پیوستگی و ارتباط طولی و عرضی آن را توضیح دهید.

نظام واحد جهانی

اکنون از محدوده‌ی بدن انسان بیرون می‌آییم و نظام‌های به‌هم پیوسته‌ی موجودات در کره‌ی زمین را مطالعه می‌کنیم. در نگاه نخستین، چنین به‌نظر می‌رسد که هریک از انسان‌ها، حیوان‌ها، درختان، سنگ‌ها، آب‌ها و مواد تشکیل‌دهنده‌ی زمین، مجموعه‌هایی جدا از یکدیگرند که در برخی مواقع برهم تأثیر می‌گذارند و گاهی ارتباطی برقرار می‌شود. اما با نگاهی دقیق‌تر، همه‌ی این موجودات را مانند اجزای همان بدن می‌بینیم که کاملاً به‌هم وابسته‌اند و یک پیوستگی عرضی را تشکیل می دهند.

هرقدر علم و دانش بشر توسعه یابد، درک این روابط و پیوستگی‌ها نیز آسان‌تر می‌شود.

پیوستگی و ارتباط میان پدیده‌ها و نظام‌ها از زمین هم فراتر می‌رود و به رابطه‌ی بین سیارات و ستارگان کشیده می‌شود. اکنون که انسان با تخریب لایه‌ی جوّ پیرامون زمین، سبب شده تا نور خورشید بیش از حدّ معمول بر زمین بتابد، این پیوستگی را بهتر درک می‌کند. نور خورشید از عوامل مهم حیات در کره‌ی زمین است. این نور، پرتو انفجارهای بزرگی است



کره‌ی زمین

↓



منظومه شمسی

↓

که در خورشید رخ می‌دهند و آن را به‌صورت یک کره‌ی همیشه گدازان درمی‌آورد.

میزان ورود نور خورشید به زمین توسط هوای پیرامون ما، کنترل می‌شود. ترکیب خاص گازهای تشکیل دهنده‌ی هوا به این کنترل کمک می‌کند. این نور کنترل شده، علاوه‌بر روشن کردن زمین و معتدل کردن دما، تأثیرات شیمیایی و زیستی فراوانی دارد. ماه نیز برزمین تأثیر دارد ؛ از جمله سبب جزر و مدّ دریاها و اقیانوس‌ها می‌شود و این جزر و مدّ بر جانداران دریایی و ساختار سواحل دریا اثر می‌گذارد. ما امروزه می‌دانیم که امواج مغناطیسی فراوانی از کرات دور دست به سوی زمین می‌آیند و بر زمین اثر می‌گذارند. همچنین، جایگاه زمین در منظومه‌ی شمسی، نتیجه‌ی تعادل نیروی جاذبه‌ی همه‌ی سیارات این منظومه و خورشید است. با گسترش علم در دنیای امروز، می‌توانیم نمونه‌های دیگری از این ارتباط و هم‌بستگی را بیابیم. در حقیقت می‌توان گفت زمین جزیی از منظومه‌ی شمسی و منظومه‌ی شمسی جزیی از کهکشان راه شیری و کهکشان راه شیری جزیی از نظام کیهانی پیرامون ماست و این یک پیوستگی طولی را به ما نشان می‌دهد.

عمر موجودات و نظام‌های این دنیای به‌هم پیوسته، نامحدود و دائمی نیست. هریک از این نظام‌ها انرژی و استعدادی محدود دارد و روزی به پایان می‌رسد. اما این فروپاشی و انهدام به‌معنای نیستی و نابودی نیست ؛ بلکه برای پیوستن به نظامی دیگر و تجدید سازمان و استمرار در متن نظام‌های دیگر صورت می گیرد. اجزای متلاشی شده در یک چرخه‌ی طبیعی دوباره بازسازی می‌شوند و به نظامی بالاتر و برتر با انرژی بیشتر به‌هم می‌پیوندند.

از این منظر هیچ چیز در متن عالم طبیعت از بین نمی‌رود بلکه در نظامی تازه‌تر خود را می‌نمایاند. گویا این طبیعت مانند درختی است که هر روز ریشه‌ها، برگ‌ها و شاخه‌های کهنه را از دست می‌دهد و اجزای جدید و شاداب‌تری به‌دست می‌آورد.

↓



کهکشان راه شیری

↓



کهکشان‌ها

نظر در آفرینش نه بازنگری

بدین خاطر خداوند ما را به نظر در آفرینش دعوت می‌کند و می‌فرماید :

... ما تَرىٰ فی خَلْقِ الرَّحْمٰنِ	نمی‌بینی در آفرینش خدای رحمان
مِنْ تَفاوُتٍ[1]	هیچ بی‌نظمی و گسستی.
فَارْجِعِ الْبَصَرَ	پس بار دیگر دیده بگردان
هَلْ تَرىٰ مِنْ فُطُورٍ	آیا هیچ شکافی می‌بینی؟

ملک، ۳

تدبر

نظام به‌هم پیوسته‌ی جهانی، با این همکاری دقیق میان اجزای خود و این پویایی و نشاط چه هدفی را دنبال می‌کند؟ و برای رسیدن به کجا سامان یافته است و می‌کوشد؟

با تدبّر در آیات ابتدای درس، نخست پیام‌های آیات را استخراج کنید و آن گاه پاسخ سؤال فوق را با اشاره به آیات، توضیح دهید.

۱ـ در فرهنگ‌نامه‌ی مفردات راغب آمده که «فَوت» به معنی دور شدن است. تفاوت نیز که اختلاف دو چیز در اوصاف و خصوصیات است، سبب دور شدن آن دو از یکدیگر می‌شود. و چون تفاوت از باب تفاعل است، گویا چنین است که هر دو از هم دور می‌شوند. یعنی خصوصیات این در آن نیست و خصوصیات آن در این.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره‌ی همین آیه می‌فرماید : منظور از عدم تفاوت این است که تدبیر الهی چون حلقه‌های زنجیر، در سراسر جهان به هم پیوسته و متصل است. موجودات به‌گونه‌ای با یکدیگر مربوطند که آثار فعالیت یکی، نصیب دیگری می‌شود، همان‌طور که خود آن برای نمر دادن به موجودات دیگر وابسته و نیازمند است... پس منظور از نبودن تفاوت در خلقت آن است که خداوند اجزا و اعضای جهان خلقت را طوری آفریده که بتواند به هدفی که برای آن خلق شده‌اند برسند و دیگران مانع او نشوند...

هم‌چنین ذیل آیه ۱۰۳ سوره‌ی انعام می‌فرماید : آیات دیگری نیز هست که می‌رساند اجزای عالم همه به هم متصل و مربوطند و پیوستگی آن‌ها به حدی است که همه را به‌صورت یک موجود درآورده و نظام واحدی در آن حکمفرماست. حکما همین پیوستگی را به‌صورت برهان درآورده و نام آن را «برهان اتصال» گذاشته‌اند.

forum.konkur.in

موجودات عالم در کنار هم
یک رابطه عرضی را تشکیل میدهند

رابطه مستقیم بین درک روابط و علم بشر

این شکل ها یک رابطه طولی رو نشون میده

این کلماتی رو که واستون مینوسم دقیق
حفظ کنید چون تو تست ها خیلی با این کلمات
کلیدی بازی میکنند

عمر موجودات محدود و پایان پذیرهست و دائمی نیست
هر نظامی انرژی و استعداد محدودی داره اما نیستی و نابودی نداره
بلکه به نظامی بالاتر و انرژی بیشتر می پیونده
هیچ چیز در عالم طبیعت از بین نمیره

پس متن بالا علت(مقدمه،تقدم) و
آیه زیر معلول(نتیجه،موخر) است

تفاوت=بی نظمی و گسست

فطور=شکاف

کل درس یک و دو دینی پیش یک طرف این سوال اندیشه
و تحقیق یک طرف چون تازگی ها در آزمون ها و کنکور از
این سوال تست های زیادی اومده که باید حتما حتما بخونیدش
اول از همه اینکه یادتون باشه هر آیه ای با عبارت من آیاته
شروع شد اون آیه بیانگر حکمت الهی و هدفمندی خلقته و اینکه
آفرینش بیهوده و عبث نبوده
اما چیزی که بیشتر باید در این آیات دقت کنید اینه که باید
بدونید که کدوم آیه در مورد آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف
زبانها و رنگ ها صحبت میکنه یا کدوم در مورد خواب آدمی و
کسب روزی یا کدوم یکی در مورد برق و نزول باران و زنده
شدن زمین یا استواری آسمانها یا گردآوری دوباره انسانها
صحبت میکنه

۱ــ پیام‌های اصلی درس را در چند بند تنظیم کنید و به‌ترتیب بنویسید.
۲ــ برخی از آیات قرآن کریم با عبارت «وَ مِنْ آیاتِهِ...» آغاز می‌شود. به آیات ۲۲ تا ۲۵ سوره‌ی روم و ۲۹ سوره‌ی شوریٰ مراجعه کنید و با بهره‌مندی از آن‌ها حکیمانه بودن خلقت را توضیح دهید.
۳ــ اگر کسی یقین داشته باشد که جهان از خداست و رو به سوی او دارد، این یقین چه تأثیری در زندگی او خواهد داشت؟

و باید حتما حفظ کنید که آخر آیه میگه این نشانه ها برای
کدوم گروهه مثلا عالمین یا شنوایان یا عاقلان
در ضمن نکته مهم تر اینکه در تست های مربوط به این
سوال اندیشه و تحقیق فقط یک قسمت از آیه رو میدن و
اون قسمتی که جواب تست هست رو نقطه چین میزارن
پس حتما حتما حتما!! این آیات رو جوری یاد بگیرید که هر
قسمتی از آیه رو دادن شما بدونید بقیه آیه در مورد چی
و چه گروهی صحبت میکنه
یک مورد دیگه هم اینکه اگر از این قسمت تست بیاد جزء
تست های سخت محسوب میشه و شما با جواب دادن اون
میتونین از سایر رقباتون جلو بزنید پس حتما این آیات رو
بخونید

www.konkur.in

درس سوم

سرمایه های رشد*



ارزش هرکس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه انسان در کاروان آفرینش بستگی دارد. امام علی (ع) در سخنی به این موضوع اشاره می کند و می فرماید: «خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده، در کجا قرار دارد و به سوی کجا رهسپار خواهد شد.»[1]

روزها فکر من این است و همه شب سخنم — که چرا غافل از احوال دل خویشتنم
از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود — به کجا می روم آخر، ننمایی وطنم[2]

اینک جا دارد از خود بپرسی:
من کیستم؟
و در این کاروان هستی، جایگاهم کجاست؟

* این درس و درس بعد با استفاده از کتاب «انسان در قرآن» اثر استاد شهید مرتضی مطهری تدوین شده است.

۱ــ اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، حسن‌بن ابی‌الحسن دیلمی، مؤسسه آل‌البیت، ص ۳۴۴

۲ــ دیوان شمس، مولوی

معلول،نتیجه،موخر

علت،مقدمه،مقدم

منزلت انسان

* خداوند به تو کرامت بخشید و بر بسیاری از مخلوقات برتری داد؛ و آن‌چه را که در آسمان‌ها و زمین است برای بهره‌مندی تو آفرید. منزلت تو نزد خدا این گونه است؛ باشد که آن را ارج نهی و در حفظ آن بکوشی!

قرائت وترجمه

وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنی‌ءادَمَ	.....
وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ	و آن‌ها را در خشکی و دریا برنشاندیم.
وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ	.....
وَ فَضَّلْناهُمْ عَلیٰ کَثیرٍ	و بر بسیاری از آفریدگان خویش
مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضیلًا	برتری کاملشان بخشیدیم

اسراء، ۷۰

وَ سَخَّرَ لَکُم	.....
ما فِی السَّماواتِ	.....
وَ ما فِی الْاَرْضِ	.....
جَمیعًا مِنْهُ	همگی از اوست.
اِنَّ فی ذٰلِکَ لَآیاتٍ	.....
لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرونَ	.....

جاثیه، ۱۳

سَخَّرَ: رام ساخت

* خداوند، در میان موجودات جهان، تو را برای خود برگزید و بهشت ویژه‌اش را به تو اختصاص داد و فرمود «جهان را برای تو آفریدم و تو را برای خودم». این دیگر با توست که برای خدا بمانی؛ همان‌طور که حضرت موسی (ع) چنین کرد و خداوند به وی فرمود «تو را برای خودم پروراندم»[2]، یا به سوی ...!

۱ــ پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خداوند فرموده است: خَلَقْتُ الْاَشیاءَ لِاَجْلِکَ وَ خَلَقْتُکَ لِاَجْلی»

۲ــ سوره‌ی طه، ۴۱

یا اَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ	ای انسان اطمینان یافته
اِرْجِعی اِلیٰ رَبِّکِ	.....
راضِیَةً مَرْضِیَّةً	با خشنودی تو از او و خشنودی او از تو
فَادْخُلی فی عِبادی	.....
وَادْخُلی جَنَّتی	.....

فجر، ۲۷ تا ۳۰

اِرْجِعی: بازگرد — اُدْخُلی: داخل شو

* پروردگار تو را صاحب اراده و آزاد آفرید و مسئول سرنوشت خود قرار داد. او از تو خواسته است با کار و ابتکار خویش زمین را آباد سازی و با انتخاب خود، یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کنی.

اِنّا خَلَقْنَا الْاِنسانَ	.....
مِن نُطْفَةٍ اَمْشاجٍ	از نطفه‌ای آمیخته
نَبْتَلیهِ	تا او را بیازماییم
فَجَعَلْناهُ سَمیعًا بَصیرًا	.....
اِنّا هَدَیْناهُ السَّبیلَ	.....
اِمّا شاکِرًا و اِمّا کَفورًا	یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس

انسان، ۲ و ۳

پس سخن زیر با مطلب بالا ارتباط معنایی دارد و با آن متناسب است

درک جایگاه انسان=علت،مقدمه،مقدم
برخورداری از رحمت الهی=معلول،نتیجه،موخر

ارزش هرکس بستگی به چه چیزی دارد؟
ارزش انسان به درک و فهم
از چه مواردی بستگی دارد؟

این دو بیت با عبارت بالا و همچنین حدیث بالا ارتباط معنایی دارد

بسیاری نه همه موجودات

و سخّر لکم ما فی السماوات و ما فی الارض

دقیقا بیانگر خط اول پاراگراف بالاست
بیانگر منزلت خاص انسان در نزد خداوند
مصادیق برتری انسان در این آیه:
-برنشاندن آدمی در خشکی و دریا
-روزی دادن با روزی های پاک

آفرینش هر آنچه در زمین و
آسمانهاست برای استفاده انسان

این لقوم یتفکرون رو هم حفظ کنید
هر چند خیلی کم دیدم ازش سوال بدن

دقت کنید که کدوم یکی رو
خداوند به حضرت موسی گفته
عربی هر دو رو هم یاد داشته باشید

کل این پاراگراف با آیات بالا ارتباط معنایی داره

بیانگر ویژگی های انسان های آرامش یافته
به مقام بندگی خدا رسیدن و ورود به بهشت
معلول(نتیجه،موخر) به مرحله اطمینان رسیدن است
ترتیب این ها مهمه:
ابتدا ورود به بندگان خدا
سپس ورود به بهشت

ارتباط کامل با آیه زیر

آزمودن انسان=علت،مقدمه،مقدم
خلقت انسان از نطفه=معلول،نتیجه،موخر

پس خدا به انسان وسیله آگاهی رو داده

راه درست رو هم(با ارسال انبیاء) نشون داده
بیانگر هدایت تشریعی یا همون حجت ظاهر هم هست

بیانگر اختیار انسان،صاحب اراده و آزاد بودن انسان

forum.konkur.in

www.konkur.in

ودیعه‌های الهی در انسان

خداوند مهربان که چنین منزلت و کرامتی به انسان بخشیده و بهشت زیبای خود را برایش آماده کرده، سرمایه‌های ارزشمندی در وی به ودیعه نهاده تا بتواند با بهره‌مندی از آن‌ها به رستگاری برسد و سعادت جاوید را در آغوش گیرد. اکنون به برخی از ارزشمندترین این سرمایه‌ها اشاره می‌کنیم :

۱ــ سرشت خداآشنا: انسان سرشتی خداآشنا، خداگرا و خداپرست دارد و خود و جهان را وابسته به خالقی می‌یابد که سرچشمه‌ی همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست. کم‌تر کسی در طول تاریخ این حقیقت را انکار کرده است. حتی آنان که بت‌پرست بودند یا بت‌ها را شریک خدا می‌دانستند، در صدد پاسخ‌گویی به این نیاز فطری خود بودند ولی در یافتن مصداق واقعی دچار اشتباه و خطا می‌شدند.

کافی است که انسان با دیده‌ی دل، در خود و جهان نظر کند و جلوه‌های قدرت، حکمت، رحمت و مهربانی خداوند را در آن‌ها ببیند.

سَنُریهِم ءایاتِنا فِی الْآفاقِ وَفی اَنْفُسِهِم حَتّیٰ یَتَبَیَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ
اَوَلَمْ یَکْفِ بِرَبِّکَ اَنَّهُ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ شَهیدٌ

در گستره‌ی جهان
آیا این بس نیست که پروردگارت
فصلت، ۵۳

نُری : نشان می‌دهیم به — یَتَبَیَّنَ : روشن شود — شَهید : گواه

امام علی (ع) فرمود :
«در هیچ چیزی نظر نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم.»[1]

۱ــ علم‌الیقین، ملامحسن فیض، ج۱، ص ۴۹

۴۰

هنر و ادبیات سرزمین‌های مختلف، بخصوص سرزمین ما تجلی زمزمه‌های آشنایی انسان با خدا و دلدادگی آدمی با اوست، به‌گونه‌ای که اگر این بخش را از هنر و ادبیات حذف کنند، زیباترین بخش آن را کنار گذاشته‌اند. عمان سامانی این آشنایی درونی را چنین توصیف می‌کند :

کیست این پنهان مرا در جان و تن — کز زبان من همی گوید سخن؟
این که گوید از لب من راز کیست — بنگرید این صاحبِ آواز کیست؟
در من اینسان خودنمایی می‌کند — ادعای آشنایی می‌کند
متصل‌تر، با همه دوری، به من — از نگه با چشم و از لب با سخن[1]

۲ــ گرایش به نیکی‌ها و زیبایی‌ها: انسان زیبایی‌ها و زشتی‌ها و نیکی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کند و در خود گرایشی به سوی نیکی‌ها و زیبایی‌ها احساس می‌کند. کرامت، بزرگواری، صداقت و عدالت را دوست دارد و از دورویی، ذلت، دون‌همتی و ظلم بیزار است.

وَ نَفْسٍ وَ ما سَوّاها فَاَلْهَمَها فُجُورَها وَتَقْواها

سوگند به نفس و آن که سامانش بخشید
آن‌گاه بدکاری و تقوایش را به او الهام کرد.
شمس، ۷ و ۸

۳ــ وجدان اخلاقی: گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب شده که در مقابل گناه و زشتی عکس‌العمل نشان دهد و آن‌گاه که به گناه آلوده شد، خود را سرزنش و ملامت کند و در اندیشه‌ی جبران برآید. قرآن کریم عامل درونی این حالت را نفس لوّامه، یعنی نفس سرزنشگر، نامیده و بدان سوگند خورده است.[2]

۱ــ دیوان عمان سامانی به نام «گنجینه‌ی اسرار». در بیت آخر، شاعر می‌گوید در عین برتری مقام خداوند از ما، امّا خداوند چنان به ما نزدیک است که از نزدیکی چشم با دیدن و لب با سخن‌گفتن، نزدیک‌تر است. این، تعبیری شاعرانه از آیه‌ی قرآن کریم است که می‌فرماید : «و نحن اقرب الیه من حبل الورید ــ ما به او از رگ گردن نزدیک‌تریم» (ق، ۱۶).

دوست نزدیک‌تر از من به من است — وین عجب‌تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که او — در کنارِ من و من مهجورم
(سعدی)

اینشتین، دانشمند بزرگ عصر ما نتیجه‌ی تفکر خود را چنین بیان می‌کند : «در این حال، فرد به کوچکی ارمان و آرزوهای بشری پی می‌برد و عظمت و جلالی را که در ماورای پدیده‌های طبیعی و افکار جلوه‌گری می‌کند، حس می‌نماید» (جهانی که من می‌بینم، ص ۵۶)

۲ــ قیامت، ۲ (لا اُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیامَةِ وَ لا اُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوّامَةِ)

۴۱

۴ــ قوّه‌ی عقل: این قوه که تشخیص‌دهنده‌ی درستی از نادرستی و خوبی از بدی است، برترین نعمتی است که خدا در وجود انسان قرار داده است. حضرت علی (ع) این نعمت بزرگ را پیام‌آور حق، دوست انسان، نجات‌دهنده‌ی وی، بهترین ثروت و نزدیک‌کننده به خدا نامیده است[1]. هیچ کتابی به اندازه‌ی قرآن کریم در بزرگداشت عقل سخن نگفته و بر ارزشمندی آن تأکید نکرده است.

***

در کنار این ودیعه‌ها و سرمایه‌های الهی، خداوند انبیا و پیشوایان خود را نیز به سوی انسان‌ها فرستاده است تا راه سعادت و فلاح را به آن‌ها نشان دهند و آنان را یاری کنند. علاوه‌بر این، انسان در طول زندگی از الهامات فرشتگان و امدادهای آنان نیز بهره می‌برد. اگر آدمی این سرمایه‌ها را به کار گیرد و دعوت انبیا را بشنود و روزنه‌ی قلبش را به روی الهامات و امدادهای الهی بگشاید، زیبایی‌های «ایمان» و «عمل صالح» در وجودش تجلی می‌کند، زندگی‌اش سرشار از نیکی‌ها و زیبایی‌ها می‌شود و بالاخره زندگی جاوید لبریز از سرور و خرسند را در بهشتی که خداوند برایش آماده کرده، به‌دست خواهد آورد.

نتیجه گیری

بر اساس آن‌چه قرآن کریم و روایات معصومین درباره انسان فرموده‌اند، جدول زیر را تکمیل کنید:

ما می‌توانیم:
۱ــ .....
۲ــ .....
۳ــ .....
درصورتی‌که:
۱ــ .....
۲ــ .....
۳ــ .....

۱ــ غررالحکم و دررالکلم، زیر عنوان کلمه‌ی «عقل»

۴۲

forum.konkur.in

یه کلمه یافتن دقت کنید
خود را وابسته به خالق یافتن نه ندانستن

این جمله کاملا یادتون باشه
چون تو خیلی از تست ها دقیقا
همین عبارت رو میدن میگن
با کدوم آیه ارتباط داره که میشه
همین آیه زیر

نشانه های خدا در آفاق و خود انسان پیداست

این «حتی» یعنی اینکه عبارت بعد از
اون علت و عبارت قبلش معلوله

دقت کنید که تو بعضی تست ها
تا اینجای آیه رو میدن
واین قسمت رو نقطه چین میزارن
و میگن این موارد کافیست تا؟
که جواب میشه همین قسمت نقطه چین
پس این قسمت رو هم یاد داشته باشین

بیانگر آگاهی کامل خداوند بر همه چیز

ارتباط کامل با آیه و عبارات بالا

ارتباط کامل با حدیث،آیه و عبارات بالا

قسم به دو مورد:
-نفس(روح) انسان
-وخود خدا که روح رو سامان بخشیده
بیانگر گرایش فطری انسان
به زیبایی ها و نفرت از بدی ها

ارتباط با عبارت بالا
الهام بدی و تقوا به انسان میتونه
بیانگر اختیار انسان هم باشه یعنی
این دو با هم در انسان قرارداده شده
تا انسان آزادانه یکی رو انتخاب کنه

توی این قسمت هم دقت کنید که معنی لفس لوّامه
چیه و اینکه خدا به نفس لوّامه قسم خورده نه امّاره
در ضمن آیه این رو هم حتما بلد باشید

این قسمتی رو که خط کشیدم خیلی خیلی دقت کنید
چون جدیدا زیاد ازش تست میدن!!دقت کنید که
میگه گرایش به نیکی ها سبب شده(پس علته)که
وجدان اخلاقی (معلول)به وجود بیاد پس دقت کنید
که تو تست میگه کدوم آیه یا عبارت مربوط به علت
وجدان اخلاقی میشه یا خود وجدان اخلاقی؟
که آیه مربوط به گرایش به نیکی ها(علت وجدان
اخلاقی) میشه و نفس و ما سواها فالهمها فجورها
و تقواها و آیه مربوط به خود وجدان اخلاقی میشه
ولا اقسم بالنفس اللوامه

عقل=تشخیص دهنده درستی و خوبی از نادستی و بدی
و برترین نعمت موجود در انسان|فقط دقت کنید که این
موارد در متن اومده و حضرت علی اونها رو نگفته|!

اما مواردی که حضرت علی(ع)گفته اند که باید حفظ کنید
عقل=پیام آورحق،دوست انسان،نجات دهنده انسان
بهترین ثروت و نزدیک کننده به خدا

بیشترین کتاب بحث کننده در مورد عقل=قرآن

اینها خیلی مهمه و تست های زیادی ازش داده میشه
که به طور خلاصه میشه گفت به کارگیری سرمایه ها
و شنیدن دعوت انبیا و گشایش روزنه قلب به الهامات
الهی=علت،مقدمه،مقدم
و تجلی ایمان و عمل صالح و سرشار شدن زندگی از
نیکی ها و زندگی لبریز از سرور در بهشت=معلول
نیتجه،موخر

www.konkur.in

خلق السماوات و الارض بالحق
و صورکم فاحسن صورکم
والیه مصیر

بیانگر سرشت متعالی انسان
والیه مصیر بیانگر هدفمندی
وحکمت الهی و ضرورت معاد
در پرتو حکمت الهی است

اندیشه و تحقیق

۱ــ ارزش‌های وجودی انسان که او را بر سایر موجودات برتری می‌دهد، کدام‌اند؟
۲ــ با مراجعه به آیات ۳ سوره‌ی تغابن برخی دیگر از ویژگی‌هایی را که بیانگر سرشت متعالی انسان است، استخراج کنید و برداشت خود را از آن‌ها توضیح دهید.
۳ــ در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره‌ی قمر تأمل کنید و ببینید چه جایگاهی برای انسان پیش‌بینی شده است.

انّ المتقین فی الجنات و نهر
فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

-بیانگر جایگاه انسان
- جایگاه متقین بهشت برین
و مقعد صدق(قرب الهی) است

-لقاء خداوند بالاترین مرتبه
نعمت های بهشت است

forum.konkur.in

www.konkur.in

نیازهای ابتدایی بشر
زمینه ای برای تسلط شیطان است

علت حرام خواری پیروی
از وسوسه های شیطان است

دشمن آشکار=شیطان
دشمن ترین دشمن انسان(سخن امام علی)=نفس امّاره

دقت کنید که میگه یامرکم
پس شیطان فقط امر میکنه و
انسان میتونه انتخاب کنه پس
انسان آزاده و حق انتخاب داره

بیانگر نزدیکی خدا به انسان
یا همان قرب وجودی خداست

نکوهش دنیا خواهی و فراموشی آخرت

غفلت از یاد خدا و آخرت
از زمینه های انجام گناه است

تودرس های بعد کاملتر این آیه
رو میخونید اونجا یه چند تا پیام دیگه هم واسش میگم!!

فک کنم دیگه بحث علت و معلول رو که همتون
فهمیده باشید ولی ۲ تا نکته رو بگم:یکی اینکه
بعضی وقتها با کلمات بازی می کنند مثلا به جای
علت میگن مقدم،مقدمه،عامل و به جای معلول
میگن موخر،نتیجه.یک نکته دیگه اینکه این دو پاراگراف رو خوب
یاد بگیرین چون معمولا تو تستها این دو تا رو به جای
هم میدن و چون نزدیک به هم هستند ممکنه اشتباه کنین

این حدیث با آیاتی که درباره نفس اماره
صحبت می کنند ارتباط معنایی داره مثلا
ولقد خلقنا الانسان و نعلم ما توسوسه به نفسه
یا و ما ابری نفسی ان النفس لاماره بالسوء

این دو آیه هم اهمیت زیادی دارند و جدیدا ازش زیاد
تست میدن پس حتما بخونیدش که البته بعضی
نکاتش که من یادم هست اینهاست:
اول از همه یادتون باشه که اون جملات ماله حضرت یوسفه
اینکه خداوند نیرنگ خائنان رو به جایی نمی رسونه
همه افراد در خطر نفس اماره هستند حتی حضرت یوسف
از همه مهم تر اینکه رحمت الهی علته این بود که حضرت
یوسف تونست از وسوسه های نفس اماره نجات یابد

باز هم علت و معلول که امیدوارم تا حالا
فهمیده باشین چجوری از تو متن این علت و معلول رو در بیارین!!

دقت کنید که احادیث مختلفی در
سه تا کتاب دینی میاد از امامان
که برای یکی از یارانشون گفته اند
حتما یاد بگیرید که کدوم حدیث رو
به کدوم یار گفتند

این علت و معلول مهمه ازش زیاد تست میدن

این دیگه معلوم کردن علت و معلولش
خیلی راحته میسپارمش به خودتون
تا شماها خودتون عادت کنید
بتویند علت و معلول رو دربیارین

Network
Internet access

قرائت وترجمه

أعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ
بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

یا اَیُّهَا النّاسُ .....
کُلوا مِمّا فِی الْاَرْضِ .....
حَلالًا طَیِّبًا .....
وَ لا تَتَّبِعوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ و از وسوسه‌های شیطان پیروی مکنید
اِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ .....
اِنَّما یَأْمُرُکُمْ بِالسّوءِ وَ الْفَحْشاءِ .....
وَ اَنْ تَقولوا عَلَی اللّهِ و این که درباره‌ی خدا بگویید
ما لا تَعْلَمونَ .....

بقره، ۱۶۸ و ۱۶۹

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنسانَ .....
وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ و به آنچه نفس او وسوسه می‌کند،آگاهیم
وَ نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَیْهِ .....
مِنْ حَبْلِ الْوَریدِ .....

ق، ۱۶

کَلّا چنین نیست،
بَل تُحِبّونَ الْعاجِلَةَ بلکه دنیای زودگذر را دوست دارید
وَ تَذَرونَ الْآخِرَةَ و جهان دیگر را فرو می‌گذارید.

قیامت، ۲۰ و ۲۱

اِنَّ الَّذینَ .....
لا یَرْجونَ لِقاءَنا .....
وَ رَضوا بِالْحَیاةِ الدُّنیا .....
وَاطْمَاَنّوا بِها و بدان آرام گرفتند
وَالَّذینَ هُمْ عَنْ ءایاتِنا غافِلونَ .....

یونس، ۷

سوء : بدی
حَبْلِ الْوَریدِ : رگ گردن
لا یَرْجونَ : امید ندارند
رَضوا : رضایت دادند

موانع رشد و رستگاری

با وجود سرمایه‌های ارزشمند در وجود انسان و کمک‌های الهی، می‌بینیم که برخی انسان‌ها راه خسران پیش می‌گیرند و سرمایه‌ها را بر باد می‌دهند، تن خویش را به گناه آلوده می‌کنند و از همراهی با کاروان کمال و فلاح باز می‌مانند. علت چنین سقوطی آن است که آنان زمینه‌ی گناه را در خود پرورش می‌دهند و دل به دعوت‌های باطل درونی و بیرونی می‌سپارند. زمینه‌های انجام گناه عبارت‌اند از :

۱ــ نفس امّاره: برخی انسان‌ها به جای بهره‌مندی متعادل از غرایز و نعمت‌های طبیعی، غرق در غرایز می‌شوند، به گونه‌ای که تمام مرزهای شرعی و اخلاقی را در هم می‌شکنند و در نتیجه از توجه به زیبایی‌های معنوی باز می‌مانند. میل به کشش‌های زیبایی‌شناسانه زیبایی می‌کشد و وی را به طلب هرچه بیشتر لذت‌ها فرا می‌خواند، «نفس امّاره»، یعنی فرمان‌دهنده به بدی‌ها نامیده می‌شود. هر انسانی این را تجربه کرده است که وقتی بر سر دوراهی گناه و پاکی قرار می‌گیرد، جنگی در درون او به راه می‌افتد ؛ هوس‌ها به گناه وسوسه‌اش می‌کنند و عقل و وجدان، او را به سوی پاکی فرا می‌خوانند. این تحریک‌کننده‌ی درونی به سوی گناه، همان «نفس امّاره» است که حضرت علی(ع) درباره‌ی آن می‌فرماید :

«دشمن‌ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست»[۱].

۱ــ اَعدیٰ عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتی بَیْنَ جَنْبَیْکَ (اَلْمَحَجَّةُ الْبَیْضاءُ، ج ۵ ص ۶)

تطبیق

با تفکر در داستان حضرت یوسف(ع) و تأمل در آیات ۵۲ و ۵۳ سوره‌ی یوسف، ببینید که این انسان وارسته در چه موقع از نفس اماره سخن گفته و چگونه توانسته است در سخت‌ترین لحظات، خود را حفظ کند.

این داستان چه هشداری به ما می‌دهد؟

.....

۲ــ جهل از حقایق: قرآن کریم جهل را سرچشمه‌ی بسیاری از گناهان و لغزش‌ها می‌داند. از این رو همواره مردم را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند. از نظر قرآن کریم، محال است که انسان عاقل در گرداب گناه فرو رود و یا انسان جاهل بتواند راه خوشبختی را بپیماید. امام صادق (ع) در هنگام توصیف عقل و جهل برای یکی از یارانش به نام سماعة‌بن مهران، لشکری برای عقل و لشکری برای جهل مشخص می‌کند. در لشکر عقل، هفتاد و پنج فضیلت و ارزش وجود دارد که سرچشمه‌ی همه‌ی فضائل دیگرند و در لشکر جهل، هفتاد و پنج رذیلت و زشتی وجود دارد که منبع سایر زشتی‌ها و بدی‌هاست.[۱]

۳ــ غفلت از خدا و آخرت: کسی که خدا را فراموش می‌کند و از او غافل است، به‌راحتی تن به گناه می‌دهد.

امام خمینی ــ رحمة‌الله علیه ــ به پیروی از نیاکان معصوم خود ــ صلوات‌الله علیهم ــ همواره تأکید می‌کرد که هر انسانی باید احساس کند که در پیشگاه خدا حضور دارد و هرکسی به چنین احساسی برسد، در چنگال گناه اسیر نخواهد شد، زیرا گناه در مقابل پروردگار مهربان

۱ــ اصول کافی، جاب اسلامیه، ج ۱، ص ۲۹ و شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی(ره)

معلول
علت
علت
معلول
معلول
علت
علت
معلول

forum.konkur.in

www.konkur.in

باعث شرمساری و سرافکندگی خواهد بود. این جمله‌ی پرمعنا از ایشان به یادگار مانده است :

«عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.»

عامل دیگر غلطیدن در گناه، بی‌توجهی به آخرت است. کسی که به آخرت ایمان دارد، گناه را چون آتشی می‌بیند که اگر از آن توبه نکند، روزی گریبان او را خواهد گرفت. از دیگر سو، شوق رسیدن به پاداش آخرت سبب رغبت در اطاعت خداوند و مواظبت بر پاکیزگی است.

۴ــ دام‌های شیطان: این موجود که دشمن انسان است و خود را از آدمیان برتر می‌پندارد، سوگند یاد کرده است که فرزندان آدم را فریب دهد و انتقام رانده شدن از درگاه الهی را بگیرد[۱]. کار او وسوسه‌کردن و دادن وعده‌های دروغین است و جز همین وسوسه، راه نفوذ دیگری ندارد. در واقع، راه نفوذ او همان هوس‌ها و نفس اماره‌ی خود انسان است. این انسان است که با دل‌بستگی به دنیا، فریب شیطان را می‌خورد و آمال و امیال پوچ و بی‌سرانجام را سرلوحه‌ی کردارش قرار می‌دهد. شیطان معمولاً از راه‌های زیر، انسان را به نافرمانی از خدا وسوسه می‌کند.

۱ــ آراستن و زیبا نشان‌دادن گناه.[۲]

۲ــ سرگرم‌کردن انسان‌ها به آرزوهای دور و دراز دنیایی.[۳]

۳ــ غافل‌کردن از یاد خدا و کارهایی که به یاد خدا می‌اندازد، مانند نماز.[۴]

۴ــ ایجاد دشمنی و کینه میان افراد.[۵]

اکنون ببینید این شیطان در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به گناه‌کاران چه می‌گوید.



۱ـ ص، ۸۲

۲ و ۳ـ محمد، ۲۵ و انعام، ۴۳

۴ـ مجادله، ۱۹ و مائده، ۹۱

۵ـ مائده، ۹۱

عبرت

وَ قالَ الشَّیْطانُ	و شیطان گفت
لَمّا قُضِیَ الْاَمْرُ	ــ چون کار تمام شود ــ
اِنَّ اللّٰهَ وَعَدَکُمْ وَعْدَ الْحَقِّ	همانا خداوند به شما وعده‌ی حق داد
وَ وَعَدْتُکُمْ	و من هم به شما وعده دادم
فَاَخْلَفْتُکُمْ	و خلاف آن عمل کردم
وَما کانَ لِیَ عَلَیْکُمْ مِنْ سُلْطانٍ	مرا بر شما هیچ تسلطی نبود
اِلّا اَنْ دَعَوْتُکُمْ	جز این که شما را دعوت کردم
فَاسْتَجَبْتُمْ لی	و شما مرا پاسخ دادید
فَلا تَلومونی	پس مرا سرزنش نکنید
وَ لوموا اَنْفُسَکُمْ	و خود را سرزنش کنید
ما اَنَا بِمُصْرِخِکُمْ	نه من فریادرس شمایم
وَ ما اَنْتُمْ بِمُصْرِخِیَّ	و نه شما فریادرس من
اِنّی کَفَرْتُ بِما اَشْرَکْتُمونِ	من به این‌که شما مرا شریک
مِنْ قَبْلُ	می‌گرفتید، از قبل کافر بودم.
اِنَّ الظّالِمینَ لَهُمْ عَذابٌ اَلیمٌ	.....

۱ــ در این آیه بیندیشید و نقش شیطان را در گمراهی انسان بیان کنید.

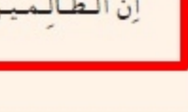
۲ــ از این گفت‌وگو چه عبرتی می‌گیریم؟

زندگی صحنه‌ی جنگی سخت میان تو و شیطان است ؛ جنگی که بالاخره یک پیروز و یک مغلوب دارد. تو با شیطان؟ اندکی درنگ ؛ بنگر که در کدام مرحله‌ای؟

دشمن را مغلوب کرده‌ای؟	پس، سپاسگزار خدا باش و شادمان!
جنگ ادامه دارد؟	پس، مبارزه را جانانه ادامه بده!
یا تو مغلوب شده‌ای؟	پس، به فکر چاره باش!

و به این پیام امام عصر (عج) توجه کن که می‌فرماید :

هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد.[۱]



ــ آیات ۹۸ تا ۱۰۰ سوره‌ی نحل را بخوانید و ببینید چه کسانی می‌توانند خود را از وسوسه‌های شیطان نجات دهند و چه کسانی اسیر آن خواهند شد؟

قرآن کریم و روایات پیشوایان ما تأکید دارند که عامل اصلی گناه، خود انسان است و هیچ انسانی در قیامت نمی‌تواند تقصیر گناه خویش را متوجه شیطان کند. مولوی خطاب به کسانی که برای توجیه گناه خود به دنبال عامل بیرونی می‌گردند، می‌گوید :

نفس، هردم در درونت در کمین	از همه مردم بتر در مکر و کین
دشمنی داری چنین در سرّ خویش	مانع عقل است و خصم جان و کیش[۲]

حقیقت وجود انسان

تا این‌جا دیدیم که انسان وجودی ارزشمند و با کرامت دارد که اگر زمینه‌های سقوط و گناه را از بین برد می‌تواند تا مقام قرب خدایی، یعنی بهشت دیدار خدا نائل شود. اکنون جای طرح این سؤال است که آیا این ویژگی‌ها مربوط به همین بُعد جسمانی ماست یا اصل حقیقت انسان را بُعد دیگری تشکیل می‌دهد؟ قرآن کریم در این باره ما را راهنمایی کرده و می‌فرماید :

اِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَةِ	.....

۱ـ الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۸

۲ـ مثنوی معنوی

از امام خمینی مربوط به غفلت از خدا

به واژه گناه دقت کنید چون تو بعضی تست ها به جاش دنیا می نویسند

این ۴ مورد رو هم یاد بگیرید هر چند اگه ازش تست بدن معمولا از همون نکته بالا که واستون نوشتم استفاده میکنند

تو درس های بعد تست طرح میکنن که کدوم آیه تو برزخ اتفاق افتاده کدوم تو قیامت پس یادتون باشه آیات زیر توی قیامت اتفاق میفته

دقت کنید که تمام عبارات زیر توسط شیطان گفته میشه

کار شیطان وسوسه کردن و دادن وعده های دروغین است

بیانگر وجود اصل انتخاب و نبود تسلطی از شیطان بر انسان

آزاد بودن و حق انتخاب انسان=علت
سرزنش نکردن شیطان و سرزنش کردن خود=معلول

هر کس خود مسئول کار و سرنوشت خود است

کفر شیطان به اینکه او عامل گناه انسان بوده

یک جا داریم عذاب الیم یک جا داریم عذاب عظیم اینجا یاد بگیرین که عذاب الیم برای ظالمین است

این تفکر در آیات هم ازش تست میاد پس بخونیدش ولی به طور خلاصه واستون نکاتشو میگم:
انسان برای رهایی از شیطان باید به خدا پناه ببرد
شیطان بر مومنان و متوکلان سلطه ای ندارد
تسلط او بر افرادی است که او را به عنوان دوست بر می گزینند(دوستی به غیر خدا) و به خدا شرک می ورزند

به صورت جاخالی زیاد میاد یاد بگیرین

این دو بیت خطاب به چه کسانی است؟

بیانگر نفس اماره وارتباط معنایی با حدیث امام علی(دشمن ترین دشمن تو...) و آیاتی که کنار حدیث واستون نوشتم

forum.konkur.in

www.konkur.in

بعد جسمانی که متغیر و تجزیه و تحلیل پذیره

بعد روحانی که ثابت و تجزیه و تحلیل ناپذیره

علت

معلول

اِنّی خالِقٌ بَشَرًا مِنْ طینٍ	من بشری از گِل خلق خواهم کرد.
فَاِذا سَوَّیْتُهُ	چون او را بیاراستم
وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ روحی	و از روح خود در او دمیدم
فَقَعُوا لَهُ ساجِدینَ	پس برای او به سجده درآیید

ص، ۷۱ و ۷۲

از تدبّر در آیات قرآن کریم به‌دست می‌آید که وجود انسان از دو بُعد، جسمانی و روحانی تشکیل شده است ؛ بُعد جسمانی و مادی انسان، مانند سایر جسم‌ها و مواد، دچار تجزیه و تحلیل می‌شود و سرانجام فرسوده و متلاشی می‌گردد و مانند دیگر اجسام، به مکان خاص و زمان خاص نیازمند و محدود است.

در مقابل، بُعد روحانی و غیرجسمانی انسان تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و به همین جهت، بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد.

آگاهی‌های انسان، قدرت اختیار و تصمیم‌گیری، عواطف و احساسات و اخلاق، همه مربوط به این بُعد از وجود انسان است. دانشمندان نشانه‌ها و دلایلی بر وجود این بُعد ذکر کرده‌اند که به دو مورد آن در این جا بسنده می‌کنیم.

الف ــ ثابت بودن «خود»: هر کس درک روشنی از «**خود**» دارد و در اثبات وجودِ چیزی که از آن تعبیر به «**من**» می‌کند به هیچ‌گونه استدلالی احتیاج ندارد. می‌گوید : من رفتم، من فکر می‌کنم و من تصمیم می‌گیرم. گرچه انسان در طول زندگی حالات و تصورات گوناگونی پیدا می‌کند، معلوماتش تغییر می‌کند و اخلاقش عوض می‌شود، امّا در میان همه‌ی این تغییرات و تحولات، یک محور ثابت و یک حقیقت تغییر ناپذیر دارد که به پشتوانه‌ی آن می‌گوید : اخلاق من تغییر کرده یا افکار من عوض شده است. زیرا در همه‌ی این قضایا، «من» یک حقیقت ثابت و پابرجاست و من به «غیر من» تبدیل نشده است.

حال باید دید که این حقیقت ثابت وابسته به جسم و کالبد مادی انسان است یا نه.

می‌دانیم که ذرات و مواد تشکیل دهنده‌ی بدن و جسم به‌طور مداوم تجزیه و تحلیل می‌شوند و مستهلک می‌گردند از طریق تغذیه و تنفس، مواد جدید وارد خون می‌شود و سپس در اختیار سلول‌ها و بافت‌های بدن قرار می‌گیرد و مواد تازه جایگزین مواد کهنه می‌شود. بدین ترتیب، بدن انسان مدام در حال تجزیه و تحلیل و بازسازی است. سلول‌های کهنه‌شده

می‌میرند و سلول‌های جدید جای آن‌ها را می‌گیرند. این سلول‌ها نیز تقسیم می‌شوند و به دو، چهار و یا سلول‌های بیشتر افزایش می‌یابند. حتی آن دسته از سلول‌ها، از قبیل سلول‌های عصبی و مغز، با این که پس از مدتی تکثیر نمی‌شوند امّا مانند همه‌ی سلول‌های دیگر، مواد تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها به سوخت و ساز خود ادامه می‌دهند ؛ یعنی مواد غذایی و اکسیژن را می‌گیرند و مواد زاید خود را بیرون می‌ریزند ؛ بنابراین گرچه این سلول‌ها تکثیر نمی‌شوند امّا مواد و عناصر درون آن‌ها پیوسته عوض می‌شوند و مواد و عناصر جدیدی جایگزین آن‌ها می‌گردند. از این رو، گفته‌اند با گذشت حدود هفت سال، تمام عناصر بدن تجدید می‌شود.

اگر شخصیت یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. درصورتی که چنین نیست. هرکس این را در خود می‌یابد که کس دیگری جایگزین او نشده و او همواره خودش بوده است. و اگر کارهایی، خوب یا بد، در طول سالیان گذشته انجام داده، همه‌ی این کارها را به همین «خود» نسبت می‌دهد و «خود» را عامل آن کارها می‌داند.

قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایه‌ی پذیرش همین «من» ثابت بنا شده‌اند. اگر از شخصی که بیست سال قبل کتابی نوشته، یک قانون علمی را کشف کرده یا خدماتی به جامعه کرده است، اکنون تجلیل می‌کنیم یا اگر کسی را که بیست سال قبل، به جنایتی دست زده و اکنون دستگیر شده است، محاکمه و مجازات می‌کنیم، بدان جهت است که آنان را همان انسان بیست سال قبل می‌دانیم، گرچه سنّی از آنان گذشته و قیافه‌ی ظاهری‌شان تغییر کرده است.

از این جا نتیجه می‌گیریم که «من» و «هویت» انسان ثابت است و مستقل از جسم اوست.

توجه: وقتی گفته می‌شود «من» و «روح» انسان ثابت است، برخی گمان می‌کنند که مقصود این است که روح آدمی دچار هیچ تغییری نمی‌شود. خیر، چنین نیست. روح آدمی تغییرات بسیاری می‌پذیرد. اگر مؤمن و نیکوکار باشد، روز به روز بر کمالاتش افزوده می‌شود و اخلاق نیکو در او شکل می‌گیرد و اگر راه گناه را پیش گرفته باشد، روز به روز زشت‌تر و آلوده‌تر می‌شود. به همین ترتیب، اگر به دنبال کسب دانش باشد، با گذشت زمان از جهل بیرون می‌آید. انسان بی‌ایمان نیز وقتی به ایمان می‌رسد، دگرگونی عمیقی در او پدید می‌آید ؛ بنابراین وقتی می‌گوییم روح ثابت است، منظور این است که «من» یا «روح» تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد و فرسوده و مستهلک نمی‌شود و به چیز دیگری تبدیل نمی‌گردد ؛ مانند مواد جسمانی بدن نیست که جای خود را به مواد دیگر دهد. چرا که اگر چنین اتفاقی بیفتد، این «من» جدید را نمی‌توان همان «من» قبلی دانست.

روح دچار تغییر میشه
ولی تجزیه و تحلیل و فرسوده و مستهلک و تبدیل نه

علاوه‌براین، دیده‌ایم که برخی انسان‌ها قسمت‌هایی از بدن خود را در حادثه‌ای از دست می‌دهند، امّا نه خودشان و نه دیگران، هیچ‌گاه احساس نمی‌کنند که قدری از هویت و «من» او کم شده باشد و این نشان می‌دهد که ثبات هویت و «خود» ما ناشی از ثبات اندام‌های ما نیست.

ب ــ رؤیاهای صادقه: هرکدام از ما هنگام خواب، رؤیاهایی را مشاهده می‌کنیم که برخی از آن‌ها مطابق با واقعیت هستند و از یک رویداد خارجی حکایت می‌کنند. این قبیل خواب‌ها، خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می‌دهند یا ویژگی‌های مکانی را بیان کنند که شخص بیننده‌ی خواب هرگز آن جا را ندیده است. بنابراین، انسان در این قبیل خواب‌ها، از ظرف زمان یا مکان خود خارج می‌شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می‌رود و یا در مکانی که تا به حال نرفته، قرار می‌گیرد.

اول از همه بدونید که در سوره یوسف ۴ تا رویای صادقه اومده بعد حتما اونا رو بخونید و بدونید که هر کدوم خواب چه کسیه(پادشاه،زندانی یا...) و اینکه جریان اون خواب چیه چون جدیدا رسم شده به خصوص تو آزمون ها حتی بیشتر از متن درس از اندیشه و تحقیق و تفکر و ذکر نمونه و ... تست بدن،از این قسمت هم چندتا تست دیدم پس این رو هم حتما بخونید

ذکر نمونه‌ها

در سوره‌ی یوسف چهار رؤیای صادقه نقل شده است. دو مورد آن را بیان کنید و بگویید تعبیر این خواب‌ها چه بود و چه کسانی آن‌ها را تعبیر کردند؟

استدلال

چرا نمی‌توانیم رؤیاهای صادقه را به بُعد مادی و جسمانی خود نسبت دهیم؟ مگر بُعد جسمانی ما چه ویژگی‌هایی دارد که نمی‌تواند منشأ این قبیل خواب‌ها باشد؟

. . . . . .

. . . . . .

. . . . . .

. . . . . .

. . . . . .

* * *

بنابر دلایل گفته‌شده می‌توانیم دریابیم که روح، بُعد غیرجسمانی وجود ماست. همین بُعد است که توانایی «انتخاب» و «تصمیم‌گیری» دارد، «جاودانگی» را درمی‌یابد و آن را طلب می‌کند و به دنبال کمالات بی‌نهایت و نامحدود است. اوست که کرامت‌ها یا رذایل اخلاقی را کسب می‌کند و اگر به کرامت‌های اخلاقی آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می‌شود. و اگر به رذیلت‌ها تن داد، تا اعماق جهنم سقوط می‌کند.

forum.konkur.in